

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/01/07

موضوع: رموز موفقیت در مسیر دفاع از حقانیت اهل بیت (علیهم السلام)

سخنرانی در بنیاد اختر تابان

فهرست مطالب این برنامه:

یک آیه و یک روایت در عظمت ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

این روایت «صحيح مسلم»، باعث شیعه شدن من شد!!

اگر این خصوصیت اخلاقی را ندارید وارد مباحث ولایت نشوید!!

رموز موفقیت در مسیر دفاع از حقانیت اهل بیت (علیهم السلام)

مناظره ای با مفتی اعظم عربستان درباره مشروعیت توسل!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة

على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء

الله الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می گوئیم و این ایام فرخنده که در آستانه

میلاذ باسعادت عصاره عالم وجود حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا فداه) و نازنین وجودی قرار داریم که؛

«و يَمِينِهِ زُرْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص 423، باب دعاء العذیلة الکبیر

این میلاد باسعادت را به همه شما عزیزان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. خدا را به آبروی آبرومندانش سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان قرار بدهد. ما خوشحال هستیم در جمع شما عزیزان و بزرگوارانی هستیم که برای:

(الَّذِينَ يَتْلُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ)

(پیامبران پیشین) کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند.

سوره احزاب (33): آیه 39

آماده می‌شوید. برای رسیدن به این هدف که اهداف انبیاء الهی (علیهم السلام) هست و شاید در عالم هستی خداوند عالم، مقدس‌تر از این شغل و نعمتی به بشریت نداده است که انسان بتواند رسالات الهی را به مردم ابلاغ کند.

شما هر شغل و نعمتی را در دنیا در نظر بگیرید، بالاترین شغل و بالاترین نعمت، تبلیغ رسالات حق و امروز ترویج فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت است.

یک آیه و یک روایت در عظمت ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

در اهمیت فرهنگ اهل بیت، ولایت اهل بیت و ولایت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) همین بس که خداوند عالم در سوره مبارکه مائده آیه 67 تندترین تعبیرش را نسبت به رسول گرامی اسلام دارد و می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

سوره مائده (5): آیه 67

شما از اول تا آخر قرآن کریم تعبیری به این تندی که خداوند متعال با پیغمبرش سخن گفته باشد، ندارید. اگر شما آیه شریفه:

(لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيُخَيِّطَنَّ عَمَلُكَ)

اگر مشرک شوی تمام اعمالت نابود می‌شود.

سوره زمر (39): آیه 65

و آیات دیگر را هم کنار هم بگذارید، تندترین آیه، (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتَهُ) هست. لذا ما باید قدری خوب به مضمون این آیه دقت کنیم.

این آیه از آخرین آیاتی است که بر نبی گرامی اسلام نازل شده است. ما از ابتدا تا انتهای سوره مائده هیچ آیه‌ای که نسخ در آن صورت گرفته باشد، نداریم. ما کاری با تفاسیر شیعه و روایات شیعه هم نداریم. «وَ الْفَضْلُ مَا شَهَدَتْ بِهِ الْأَعْدَاءُ»

تفسیر این آیه را در کتب روایی و تفسیری اهل سنت ملاحظه کنید. آقای «آلوسی» که آقای «زرکلی» در کتاب «الأعلام» در مورد ایشان می‌نویسد:

«کان سلفی الاعتقاد»

الأعلام؛ خیر الدین الزرکلی، وفات: 1410، چاپ: الخامسة، سال چاپ: أيار - مايو 1980، ناشر: دار العلم

للملايين - بيروت - لبنان، ج 7، ص 176، باب الآلوسی الكبير

«آلوسی» کتاب تفسیری به نام «روح المعانی» دارد که در این کتاب جلد ششم صفحه 193 وقتی به این آیه می‌رسد، روایاتی را نقل می‌کند و هیچ تحلیلی هم روی روایت ندارد.

ایشان هیچ نقدی، اشکالی، سندا، دلالتا و صدورا ندارد. ایشان از قول «عبدالله بن مسعود» می‌نویسد:

«كنا نقرأ على عهد رسول الله (صلى الله عليه و سلم) يا أيها الرسول بلغ ما أنزل اليك من ربك إن عليا ولي المؤمنين وإن لم تفعل فما بلغت رسالته»

ما همگی در زمان پیغمبر اکرم این آیه را چنین می‌خواندیم: ای پیغمبر! به مردم بگو که علی ولی امر مؤمنین است و اگر ولایت علی معرفی نشود رسالت تو ناتمام است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 6، ص 193، باب المائدة: (67) يا أيها الرسول.... ..

کلمه «کان» دلیل بر استمرار است و کلمه «کنا» دلیل بر تعمیم به معنای "ما همه" است. در خانه اگر کس است، یک حرف بس است!

ملاحظه کنید حدیث غدیر را نقل می‌کند و نقد می‌کند. حدیث منزلت را می‌آورد و نقد می‌کند. احادیث دیگری که شیعه به آنها استدلال کرده است را نقد می‌کند، اما زمانی که به این روایت می‌رسد، به عنوان یک امر «مفروقٌ عنه» از کنار آن عبور می‌کند.

قبل از ایشان هم «سیوطی» در کتاب «الدر المنثور» جلد 2 صفحه 198 همین روایت را از قول «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند. «شوکانی» در کتاب «فتح القدير» جلد 2 صفحه 60 همین روایت را نقل می‌کند.

مبنای «سیوطی» در کتاب «الدر المنثور» این است که اگر به یک روایتی برسد که از نظرش ضعیف باشد، قطعاً به آن اشاره می‌کند. به عنوان مثال می‌نویسد: «رواه ابن مردويه بسند ضعیف عن فلان».

این در حالی است که «سیوطی» وقتی به این روایت می‌رسد، بدون هیچ اشاره‌ای می‌نویسد:

«وأخرج ابن مردويه عن ابن مسعود قال: كنا نقرأ على عهد رسول الله (يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك) ان عليا مولى المؤمنين (وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس)»

ابن مریویه به نقل از ابن مسعود می‌گوید ما همگی در زمان پیغمبر اکرم این آیه را چنین می‌خواندیم: ای پیغمبر! به مردم بگو که علی ولی امر مؤمنین است و اگر ولایت علی معرفی نشود رسالت تو ناتمام است.

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993، ج 3، ص 117، باب المائدة: (67) يا أيها الرسول... ..

بنابراین مهم‌ترین چیزی که ما داریم، بحث ولایت اهل بیت عصمت و طهارت است که بدون آن رسالت ناتمام است.

اگر این کار انجام نشود زحماتی که نبی گرامی اسلام در طول بیست و سه سال کشیده است، نتیجه‌ای نخواهد داد و تلاش‌های پیغمبر اکرم بی ثمر خواهد شد. بنده گمان می‌کنم ما بهتر و زیباتر از این در رابطه با اهمیت ولایت نداریم.

«خوارزمی» که «ذهبی» درباره او می‌گوید:

«الموفق بن أحمد بن محمد أبو المؤيد المكي، العلامة، خطيب خوارزم كان أدبياً ، فصيحاً، مفوهاً،
خطب بخوارزم دهرأ ، وأنشأ الخطب»

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان
الذهبی، دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت - 1407هـ - 1987م ، الطبعة: الأولى، تحقیق: د.
عمر عبد السلام تدمری؛ ج 39، ص 326

ایشان در کتاب «مناقب» روایتی نقل می‌کند که خیلی جالب است. بنده حدود چهارده سال قبل مناظره‌ای در
خاک عربستان سعودی داشتم به طوری که سه تن از اساتید وهابی در یک طرف و بنده در یک طرف بودم.

نفر اول «دکتر ابوشوارب» بود که از دانشگاه اسکندریه مصر آمده بود، دومین نفر «حسن حسینی» یکی از
وهابی‌های گستاخ و بی‌حیاست که ایشان را از بحرین آورده بودند و سومین نفر هم «دکتر هاشمی» بود که
هتاک‌ترین وهابی نسبت به شیعه است.

بنده در این جلسه این روایت را خواندم و به این اساتید گفتم که این روایت را تحلیل کنید و به من جواب
بدهید. متن این مناظره چاپ شده و فایل آن هم روی اینترنت موجود است. این روایت سندا هم از دیدگاه
شما مشکلی ندارد. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

«یا علی لو أن عبدا عبد الله عز وجل مثل ما قام نوح فی قومه»

یا علی! هرگاه بنده‌ای خدا را به مدت عمر نوح که در میان قومش قیام کرد عبادت کند.

ما در روایت داریم حضرت نوح دو هزار و پانصد و پنجاه سال عمر کردند و از این میان نهصد و پنجاه سال
دوران رسالت آن حضرت بوده است.

«وكان له مثل أحد ذهباً فأنفقه فی سبیل الله»

و به مقدار کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند.

«ومد فی عمره حتی حج الف عام علی قدمیه ثم قتل بین الصفا والمروة مظلوما»

و خداوند به او عمر طولانی بدهد به قدری که بتواند با پای پیاده هزار سال حج به جا آورد و بعد بین صفا و مروه به ناحق و مظلومانه کشته شود.

«ثم لم يوالك يا علي لم يشم رائحة الجنة ولم يدخلها»

اما ای علی ولایت تو را نداشته باشد، بوی بهشت به مشام او نمی‌رسد و داخل آن نمی‌شود.

المناقب، نویسنده: الموفق الخوارزمی، وفات: 568، تحقیق: الشيخ مالك المحمودی - مؤسسة سيد الشهداء (ع)، چاپ: الثانية، سال چاپ: ربيع الثاني 1414، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي، ص 67، ح 40

ما در کتب شیعه الی ماشاء الله در این زمینه روایت داریم، اما جالب اینجاست علی رغم تلاش‌های فراوانی که بنی امیه و بنی عباس داشتند تا احادیث و فضائل اهل بیت را مخفی کنند و نقل نکنند این مطالب در کتب اهل سنت نقل شده است.

به برکت اهل بیت (علیهم السلام) این فضائل امروز به دست ما رسیده است. ما باید دقت داشته باشیم که امروز همه چیزمان به ولایت بستگی دارد.

«مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» از امام صادق (علیه السلام) روایتی آورده است که حضرت می‌فرماید:

«بِنَا عِبْدَ اللَّهِ وَبِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَبِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مُحَمَّدٌ حِبَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 145، ح 10

فرمود اگر قرار است کسی خدا را عبادت کند، باید از کانال ما باشد. وحدانیت خدا باید از کانال ما باشد.

این روایت «صحیح مسلم»، باعث شیعه شدن من شد!!

نتیجه توحیدی که از کانال اهل بیت نباشد، خدای الاغ سوار است که هر نیمه شبی از عرش سوار الاغ می‌شود و به آسمان دنیا می‌آید به بندگان خود سر می‌زند و وقت طلوع فجر هم سوار الاغ می‌شود و به آسمان برمی‌گردد.

«مرحوم شیخ مفید» در کتاب «الإفصاح» نقل کرده که در بغداد بعضی از علمای اهل حدیث، بالای پشت بام منزل خود، یونجه و گاه می‌ریختند تا اگر خداوند با الاغ خود از آنجا عبور کرد، الاغ خداوند یونجه‌ها را ببیند و روی پشت بام آنها جلوس کند و برای آنها برکت بیاورد!!

توحید غیر از اهل بیت همین است. یکی از مستبصرین سوری که از علمای بزرگشان هست و در همین اواخر شیعه شده است، می‌گوید: علت شیعه شدن من همین روایتی است که در کتاب «صحیح مسلم» آمده است. در کتاب «صحیح مسلم» آمده است که خداوند عالم وقتی ثلثی از شب بگذرد به آسمان دنیا می‌آید و صدا می‌زند:

«هل من مُسْتَعْفِرٍ هل من تَائِبٍ هل من سَائِلٍ هل من دَاعٍ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 1، ص 523، ح 758

این خدا نزدیک طلوع فجر برمی‌گردد و به عرش می‌رود!! این عالم سوری می‌گوید: من روی این روایت بسیار فکر کردم.

در زمان سابق عقیده «بطلمیوسی» حاکم بود و بر این عقیده بودند که آسمان‌ها همانند پوست پیاز طبقه روی طبقه است، به طوری که زمین ساکت است و خورشید از طرف مشرق می‌آید و در مغرب هم طلوع می‌کند.

در مقابل امروزه ثابت شده است که کره زمین همانند توپ کروی شکل است، به طوری که هم به دور خود می‌چرخد و هم به دور خورشید می‌چرخد. اگر قرار باشد خداوند عالم یک بار روی کره زمین بیاید، در زمین زندانی می‌شود و دیگر نمی‌تواند برگردد!!

در این روایت آمده است که خداوند عالم قبل از طلوع فجر به عرش برمی‌گردد. حال سؤال اینجاست که مراد، طلوع فجر کدام نقطه از زمین است؟! در هر لحظه از شبانه روز را تصور کنید، در یک نقطه از کره زمین طلوع فجر است و طلوع فجر در گردش است.

بنابراین اگر خداوند یک مرتبه به کره زمین بیایند، مرتب منتظر طلوع فجر است و طلوع فجر هم تمام شدنی نیست. مادامی که آسمان و زمین هست و کره زمین در چرخش است، طلوع فجر هم می‌چرخد.

این عالم سوریه‌ای می‌گوید: من فهمیدم این روایات، روایاتی نیست که از سرچشمه وحی گرفته شده باشد.

بنابراین بحث و تحقیق کردم و مذهب شیعه را که توحید و نبوت و معاد و امامت و برنامه‌های دیگر آن برمبنای عقل و فطرت و نیازهای درونی بشریت طراحی شده است انتخاب کردم.

اگر این خصوصیت اخلاقی را ندارید وارد مباحث ولایت نشوید!!

نکته دیگری که من لازم می‌دانم به عزیزان اشاره کنم، این است که مسیری که ما انتخاب کردیم مسیر ساده‌ای نیست که دائماً برایمان گل و بلبل باشد.

وقتی برای تبلیغ می‌روید، چند نفر خوشش می‌آید و چند نفر خوشش نمی‌آید. همینطور چند نفر دوست و چند نفر دشمن پیدا می‌کنید. مخصوصاً امروزه وهابیت و منحرفین به خون بچه شیعه‌ها تشنه هستند.

بنابراین این مسیر، مسیری است که اگر کسی می‌خواهد در آن وارد شود باید تمام مشکلاتش را به تن بخرد.

ای که از کوچه معشوقه ما می‌گذری

برحذر باش که سر می‌شکند دیوارش

بنده به بعضی از دوستانی که با ما هستند می‌گویم اگر کسی در این مسیر می‌آید اگر این روحیه را دارد که به خاطر دفاع از امیرالمؤمنین جلوی چشمش بیایند و فحش ناموسی بدهند و او تحمل کند و پاسخ ندهد، جلو بیاید.

چنین شخصی اگر هم خواست جواب بدهد، باید به فرموده قرآن کریم عمل کند که می‌فرماید:

(وَ إِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)

و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).

سوره فرقان (25): آیه 63

این مسیر انبیاء و اولیاء الهی بوده است. اگر کسی واقعاً این روحیه را ندارد، برود دنبال کار و کاسبی خودش و در این مسیر نیفتد. همچنین روضه خوانی باشید که بالای منبر چندین بیت شعر یا روایت یا داستان بخوانید و با این روال به زندگی خود ادامه دهید.

حال اگر کسی می‌خواهد معارف اهل بیت را بیان کند، مظلومیت اهل بیت و آنچه در تاریخ بر آن بزرگواران گذشته است را بیان کند باید در این راه محکم قدم بردارد.

توهین به مقدسات دیگران حرام است و هیچ شکی نیست. به طوری که قرآن کریم به صراحت می‌فرماید:

(وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)

(معبود) کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبدا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند.

سوره انعام (6): آیه 108

اهانت به مقدسات دیگران قطعاً حرام و خلاف شرع است. «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «الإعتقادات» صفحه 107 روایتی نقل می‌کند که «علامه مجلسی» هم آن را در کتاب «بحارالانوار» جلد 71 صفحه 217 نقل می‌کند که:

«وَقِيلَ لِلصَّادِقِ- عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يَغْلِبُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يَسْمِيهِمْ»

افرادی به امام صادق عرضه داشتند: یابن رسول الله! ما در مسجد فردی را مشاهده می‌کنیم که آشکارا به دشمنان شما دشنام می‌دهد و آنها را نام می‌برد.

«فَقَالَ: «مَا لَهُ- لَعْنَةُ اللَّهِ- يَغْرِضُ بِنَا»

امام صادق فرمود: چه مرضی دارد؟ لعنت خدا بر او باد! با این کارش زبان دشمنان را علیه ما باز می‌کند.

إعتقادات الإمامية (للصدوق)، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کنگره شیخ مفید، ایران؛ قم، 1414ق، ص 107، باب الاعتقاد فی التقیة

حضرت به صراحت می‌فرمایند: خدا لعنت کند کسی را که به مخالفین ما سب و شتم می‌کند.

همه می‌دانیم کتاب «الإعتقادات» روایاتی را نقل می‌کند که تمام قنطره های علم رجال را گذرانده باشد. «علامه مجلسی» هم در کتاب «بحارالانوار» این روایت را به عنوان یک امر مفروق عنه و قطعی نقل می‌کند و رد می‌شود.

این که ما بخواهیم ماجراجویی کنیم و میان شیعه و اهل سنت اختلاف درست کنیم و توهین کنیم و فحش بدهیم و جسارت کنیم، قطعاً صحیح نیست.

از طرف دیگر به تعبیر مقام معظم رهبری در دفاع از امیرالمؤمنین حد و مرزی نداریم و حد و مرز ما قرآن کریم و سخنان اهل بیت (علیهم السلام) است.

مشاهده کنید امیرالمؤمنین نهایت تلاش خود را بر وحدت جامعه گذرانده است به طوری که همسرش را جلوی چشمش کتک زدند.

بدترین درد برای یک مرد این است که همسرش را جلوی چشمش کتک بزنند و قدرت دفاع هم داشته باشد، اما برای مصالح اسلام و وصیت پیغمبر اکرم هیچ حرکتی انجام ندهد.

هزاران بار اجل بر مرد خوش‌تر

که سیلی خوردن همسر ببیند

با تمام این احوالات مشاهده کنید حضرت در هر فرصتی از انتقاد سازنده و انتقاد کوبنده از خلفا خودداری نمی‌کند. خطبه صد و پنجاه «نهج البلاغه» را ملاحظه کنید که حضرت فرموده است:

«حَتَّى إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ ص رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ»

تا جایی که می‌فرماید:

«عَلَى سُنَّةٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 209،

امیرالمؤمنین همچنین در نامه 53 خطاب به «مالک اشتر» می‌فرماید:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 435، خ

53

ما نمی‌توانیم بیشتر از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وحدت گرا باشیم. خطبه شفشقیه هم که همه چیز را مطرح کرده است.

رموز موفقیت در مسیر دفاع از حقانیت اهل بیت (علیهم السلام)

بنده چندین رمز برای موفقیت خدمت شما بیان کنم. اگر این رمزها را داشته باشیم، قطعاً موفق خواهیم شد. در غیر این صورت یقین داشته باشیم یا موفق نمی‌شویم یا اگر توفیقاتی هم برای ما بیاورد توفیقات سطحی و ظاهری است.

زمانی که می‌خواستیم برای مناظره به «شبکه المستقله» برویم، خدمت آیت الله وحید خراسانی رسیدیم.

ایشان جمله زیبایی به من گفتند و فرمودند: اگر کسی به مناظره می‌رود، باید مسائل علمی را بلد باشد و بداند رسول گرامی اسلام در طول بیست و سه سال رسالت چه مطالبی فرمودند و ائمه اطهار چه مطالبی فرمودند.

مسائل علمی یکی از شرایط حضور در مناظرات است. ما هم باید توانایی تبیین مسائل داشته باشیم و هم توانایی پاسخگویی به شبهات داشته باشیم و هم توانایی طرح سؤال داشته باشیم.

بنده همیشه می‌گویم که موفقیت یک مثلث مقدس است. یک ضلع این مثلث «تبیین» است، به طوری که ما بیاییم حقانیت اهل بیت را از کتاب و سنت بیان کنیم. یک ضلع آن «پاسخگویی به شبهات» است و ضلع

سوم آن «طرح سؤال و هجمه» است.

همانطور که طرف مقابل هجمه می‌کند و شبهه مطرح می‌کند، ما هم طرح سؤال کنیم. به عبارت دیگر شیعه می‌گوید، شیعه پاسخ می‌دهد و شیعه می‌پرسد. این سه مسئله در حوزه علمی است.

آیت الله وحید خراسانی فرمودند: این‌ها پوسته موفقیت در مناظره است، اما مغز موفقیت عبارت از توکل بر خداوند عالم و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) است. اگر توکل و توسل نباشد، آن پوسته به جایی نمی‌رسد.

«مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلِبْ»

کسی که به خدا توکل کند، هرگز مغلوب نخواهد شد.

«وَمَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يَهْزَمْ»

اعتصام به خداوند هرگز شکست پذیر نیست.

روضه الواعظین و بصیرة المتعظین، نویسنده: فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ج 2، ص 425، باب

مجلس فی ذکر التوکل

بنابراین ما در مسئله اول باید بر خداوند عالم توکل داشته باشیم به این معنا که کار برای خدا باشد، هدف خدا باشد و توکل ما هم بر خداوند باشد.

«مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ لَهُ»

شرح أصول الكافی، نویسنده: صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: خواجه‌ی،

محمد، ج 1، ص 372، باب المشهد السادس عشر فیان التفرد عن الناس و العزلة و الصبر علیها من

علامات قوة العقل و کماله

اگر به جایی رفتیم و واقعاً هدفمان «الله» بود، یقین کنیم که موفق هستیم و شبهه‌ای نداشته باشیم که موفقیت با ماست. در مقابل اگر هدف از رفتن ما، خالص نباشد، شکی نداشته باشیم که موفق نخواهیم شد.

بنابراین یکی از بال‌هایی که ما با استفاده از آن می‌توانیم در تبلیغات، مناظرات و گفتگوهایمان موفق شویم توکل بر خداوند متعال است.

بال دوم ما، توسل به اهل بیت (علیهم السلام) است. خداوند متعال در قرآن کریم سوره مبارکه مائده آیه 35 خیلی واضح و روشن قضیه را بیان کرده است. در مناظراتی که ما با وهابیت داشتیم، زمانی که این آیه را می‌خواندیم همینطور معطل می‌ماندند.

وهابی‌ها مطلق توسل را کفر می‌دانند. اخیراً کتابی هفت جلدی از «محمد بن عبدالوهاب» چاپ شده است.

مناظره ای با مفتی اعظم عربستان درباره مشروعیت توسل!

در مناظره‌ای که ما سال 1382 با «آل شیخ» مفتی اعظم عربستان سعودی در طائف داشتیم، ایشان یک کارتن کتاب به ما داد. یکی از کتاب‌هایی که در این کارتن بود، «مجموعه مؤلفات محمد بن عبدالوهاب» بود.

این کتاب در بازار نیست، بلکه اوقاف دار الافتاء عربستان سعودی آن را به چاپ رسانده است. در این کتاب جلد اول صفحه 147 آمده است:

«من جعل بينه وبين الله وسائط يدعوهم أنه كافر مرتد حلال المال والدم»

هرکسی بین خود و خدا واسطه قرار دهد، کافر و مرتد است مال و جانش هدر است.

مؤلفات محمد بن عبد الوهاب، اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب، دار النشر: جامعة الإمام محمد بن

سعود - الرياض، تحقيق: عبد العزيز زيد الرومي، د. محمد بلتاجي، د. سيد حجاب، ج 1، ص 147

حال قرآن کریم خطاب به عموم مؤمنین می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید و در راه او جهاد کنید باشد.

سوره مائده (5): آیه 35

آیه از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان کند؟! در این آیه شریفه خداوند عالم سه چیز از ما خواسته است: تقوا، واسطه قرار دادن بین خود و خدا و جهاد در راه او.

ما با «آل شیخ» که بعد از «بن باز» بالاترین مقام علمی و هابیت است، مناظره‌ای داشتیم. «عبدالعزیز آل شیخ» یکی از نواده‌های «محمد بن عبدالوهاب» بنیانگذار و هابیت است.

«آل شیخ» اخلاق بسیار خوبی دارد و با ما هم برخورد بسیار خوبی داشت، برخلاف «بن باز» که اصلاً از دهانش جز کفریات و توهین و جسارت چیزی بیرون نمی‌آمد.

در این جلسه جناب آقای «نواب» که در حال حاضر مسئول بعثه مقام معظم رهبری هستند هم همراه ما بودند. زمانی که ما به طائف رفتیم، هشتم جمادی الثانیه سال 1382 هجری شمسی بود.

زمانی که با ایشان صحبت می‌کردیم، به ایشان گفتم: شما به چه دلیل متوسلین را مشرک قلمداد می‌کنید؟! بنده بیش از دویست جلسه در عربستان سعودی بحث و مناظره داشتم که مجموع آنها در کتاب سه جلدی «قصة الحوار الهادی» به چاپ رسیده است که در سایت‌ها هم موجود است.

ایشان گفتند آیات زیادی در این خصوص داریم. به عنوان نمونه خداوند متعال در آیه شریفه می‌فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالِكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

آن‌هایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید) بندگانی همچون خود شما هستند، آن‌ها را بخوانید و اگر راست می‌گوئید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را بر آورند).

سوره اعراف (7): آیه 194

و چند مورد از این آیات را خواندم. بنده گفتم: شیخنا! شما در خصوص آیه 97 از سوره مبارکه یوسف چه نظری دارید؟! قرآن کریم می‌فرماید:

(يا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ)

پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم.

سوره یوسف (12): آیه 97

مع الفرق بین قولهم **(يا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا)** و بین قول الشیعة **«يا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ»**؟! همچنین سوره مبارکه نساء آیه 64 می‌فرماید:

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)

و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذارند) به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

سوره نساء (4): آیه 64

فرق اینها با هم چیست؟! ایشان گفت: این آیه مربوط به زمان حیات پیغمبر اکرم بوده است. **«ان النبی اذا فات مات فلم یقدر علی سماع أحد و لم یقدر علی جواب أحد»**؛ پیغمبر اکرم وقتی از دنیا رفت، نه قدرت دارد بشنود و نه قدرت دارد جواب دهد.

بنده گفتم: چطور شد یک مسئله توسل در زمان حیات پیغمبر اکرم مشروع بوده است و بعد از وفات پیغمبر اکرم امر مشروع به امر کفر و شرک مبدل شده است؟! چطور با وفات پیغمبر اکرم یک حکم شرعی صد و هشتاد درجه تغییر کرد؟!

اگر ملاک شما عجز «متوسلین الیه» است، این یک امر عبث و باطل است و نمی‌گویند این یک امر شرک و کفر است.

ایشان معطل ماند، قدری فکر کرد و گفت: شما بهتر اسلام را فهمیدید یا صحابه بهتر فهمیدند؟! من گفتم: ثم ماذا؟!!

ایشان گفت: ما روایتی نداریم که صحابه بعد از رحلت پیغمبر اکرم کنار قبر رسول الله بیایند و به حضرت متوسل شوند. اگر این کار مشروع بود، صحابه به پیغمبر اکرم متوسل می‌شدند.

بنده گفتم: شیخنا! من از شما تعجب می‌کنم. ما روایات متعددی از توسل صحابه به پیغمبر اکرم داریم. زمان خلافت عمر بن خطاب قحطی می‌آید. «بلال بن حارث» نزد قبر مطهر رسول گرامی اسلام می‌آید و عرضه می‌دارد:

«یا رسول الله استسق لأمتک فإنهم قد هلكوا»

ای رسول خدا! از خدا برای امت باران بخواه، زیرا نزدیک است هلاک شوند.

«فأتی الرجل فی المنام فقیل له إئت عمر فأقرئه السلام وأخبره أنکم مسقیون وقل له علیک الکیس

علیک الکیس فأتی عمر فأخبره فبکی عمر ثم قال یا رب لا آلو إلا ما عجزت عنه»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار
النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6، ص 356، ح

32002

ایشان با صدای بلند گفت: هذه الروايات موضوعا مكذوبا! بنده گفتم: شيخنا! «ابن حجر عسقلاني» که یکی از
استوانه‌های علمی شماسست، در کتاب «فتح الباری» جلد 2 صفحه 412 می‌گوید: حدیث توسل «بلال بن
حارث» به قبر پیغمبر اکرم صحیح است.

«ابن کثیر دمشقی سلفی» شاگرد «ابن تیمیه» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد هفتم صفحه 105 می‌گوید:
روایت صحیح است.

«آل شیخ» معطل مانده بود که چه بگوید. چشم‌های ایشان نابینا بود، حال ما نمی‌دانیم چه حکمتی دارند که
وهابیت از میان نابیناها مفتی انتخاب می‌کنند. «بن باز» هم نابینا بود. حال ما نمی‌دانیم نابینای سوم چه
کسی است.

«آل شیخ» در ادامه مطالبی گفت مبنی بر اینکه مبنای شرک این است و مبنای توحید آن است.

ایشان وسط نشستہ بود، در حالی که دو نفر از معاونین ایشان در سمت راست و دو نفر در سمت چپ بودند.
معاونین ایشان به او گفتند: شيخنا! این چه نحوه حرف زدن است. این شخص از کتاب‌های ما ثابت می‌کند
که «ابن کثیر» و «ابن حجر» روایت را تصحیح کردند. «ان كنت صادقا فناقش في صحة الرواية».

ایشان گفت: کتاب را بیاورید تا ببینیم این شخص راست می‌گوید یا دروغ می‌گوید. وقتی کتاب «فتح الباری»
و «البدایة و النهایة» را آوردند و برایشان خواندند، معلوم شد هم «ابن حجر» می‌گوید روایت صحیح است و
هم «ابن کثیر» می‌گوید روایت صحیح است.

وقتی صحت حرف‌های بنده معلوم شد، بین این افراد اختلاف افتاد و باهم بگومگوهای تند داشتند.

بنده که دیدم اوضاع خراب شده است، به آقای «نواب» گفتم: ما دیگر کار خودمان را کردیم. اگر اینجا بمانیم یا سر از سیاهچال درمی آوریم یا بالای چوبه دار! خداحافظی کنید تا برویم، صلاح نیست بیش از این در اینجا بمانیم.

ما حرف‌های ایشان را قطع کردیم و گفتیم: شیخنا! ما برنامه‌ای داریم و باید سریع به ایران برگردیم. ما می‌خواهیم از محضرتان خداحافظی کنیم و شما بعد از ما حرف‌هایتان را بزنید.

ایشان شماره فکسی به بنده داد و گفت: این شماره فکس من در ریاض است. ایشان همچنین شماره تلفن خود را به بنده داد و گفت: اگر سؤالی یا مطلبی بود با ما در جریان باشید و برای ما بفرستید تا به شما پاسخ بدهیم.

ما بعد از آمدن به ایران یکی دو مرتبه سؤالات خود را برایشان فکس کردیم، اما تا کنون جوابی برای ما فرستاده نشده است. مطمئناً تا قیام قیامت هم جوابی نخواهد آمد.

دوستان بدانید که مکتب اهل بیت، مکتبی برگرفته از وحی است. زمانی که این مکتب از وحی گرفته شد، دیگر نه می‌توان مناقشه‌ای کرد و نه اشکالی گرفت.

بنده نود درصد عمرم را در همین مباحث گذراندم. ما مناظرات و برنامه‌های متعددی در شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای داشتیم.

قسم به جان حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) که ایام ولادت آن بزرگوار است، تاکنون اتفاق نیفتاده شبهه‌ای نسبت به شیعه مطرح شود و ما جوابی نداشته باشیم.

این هنر ما نیست، بلکه مکتب ماست. مکتب برگرفته از وحی است؛ کارخانه حدیث سازی «ابوهریره» و امثال او نیست که شب بخوابد و صبح چندین روایت برای مردم مطرح کند.

مردم به او می‌گفتند: آیا این روایت را پیغمبر اکرم گفته است؟ او می‌گفت: این روایات از کیسه «ابوهریره» است!!

در کتاب «صحیح بخاری» چندین مورد از این روایات آمده است. وقتی روایتی از کیسه «ابوهریره» دربیاید، سر از خدانشناسی الاغ سوار در می‌آید که با هیچ منطقی سازگار نیست.

ما برای شما عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنیم. ان شاءالله خداوند بر توفیقات شما بیفزاید. مسیری که انتخاب کرده‌اید، مسیر بسیار مبارکی است.

بنده تنها یک جمله به شما می‌گویم که همیشه به دوستان هم آن را می‌گویم. پیغمبر اکرم در غدیر خم یک دعا کردند و فرمودند:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»

عیون أخبار الرضا عليه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی،

ج 2، ص 47، ح 183

یقیناً دعای پیغمبر اکرم به اجابت رسیده است و هرکسی علی بن ابی طالب را یاری کند قطعاً یاری خداوند متعال بالای سر اوست. امام صادق به «هشام بن حکم» فرمودند:

«مِثْلُكَ فَلْيَكَلِّمِ النَّاسَ فَاتَّقِ الرَّزَّةَ وَ الشَّفَاعَةَ مِنْ وَرَائِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

مانند تویی باید با مردم بحث کند. از لغزش بپرهیز که شفاعت ما پشت سر توست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 171، ح 4

بنابراین در این مسیر هیچ شک و تردیدی نداشته باشید. کار تنها خالص برای خداوند متعال باشد. یک بال این است که بر خداوند عالم توکل کنید و بال دیگر این است که به اهل بیت (علیهم السلام) متوسل شوید.

شما با این دو بال می‌توانید پرواز کنید. اگر هیچکدام از این دو بال نباشد زمینگیر هستید و اگر یکی باشد و دیگری نباشد هم زمینگیر هستید. اگر این دو بال را داشتید، یقیناً موفق خواهید بود.

خداوند عالم گاهی اوقات انسان‌ها را در مسیر امتحان می‌کند. این مباحث زمین خوردن دارد، زمین زدن دارد، موفقیت دارد، شکست دارد.

ما از پیغمبر اکرم بالاتر نیستیم. رسول گرامی اسلام در طول دوران بعثت خود با هشتاد و اندی جنگ مواجه بودند، به طوری که جنگ بدر یک نتیجه‌ای داشت و جنگ احد نتیجه دیگری داشت.

فراز و نشیب‌ها وجود دارد، اما نصرت الهی در تمام حالات بالای سر کسی است که «وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ».

خدایا تو را به آبروی حضرت محمد و آل محمد سوگند می‌دهیم فرج آقای ما حضرت بقیة الله الأعظم را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص، سربازان فداکار و شهدای رکاب حضرت ولی عصر قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا حوائج حاجت مندان روا نما. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت بقیة الله الأعظم متصل بفرما. خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن در هر لباس و منصبی هستند بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

خدایا خیر دنیا و آخرت به ما عنایت بفرما. خدایا شر دنیا و آخرت از ما دور کن. خدایا به حق حضرت محمد و آل محمد حوائج ما را برآورده نما. خدایا دعاهای ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین ذوی الحقوقین بالأخص امام راحل صلواتی ختم
بفرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته